



راهبردها و راهکارها در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران از دیدگاه امام خمینی (ره)

نقیسه واعظ شهرستانی

چکیده:

هدف از پژوهش، بررسی راهبرد و راهکارهای سیاست خارجی ج.ا.ا. است، و فرضیات تحقیقات بر این اساس گذاشته شده است که الف) بنا وقوع انقلاب اسلامی تغییرات عمیقی در سیاست خارجی ج.ا.ا. پدیدآور شده است. ب) انقلاب ایران یک انقلاب ایدئولوژیک و رهبری آن بر عهده ولی فقیه بوده است، لذا اهداف و اصول عملی سیاست خارجی نیز، تحت تأثیر، ایدئولوژی اسلام و شخصیت امام ترسیم شده.

اهم راهبردها از دیدگاه امام عبارت است از: تشکیل حکومت جهانی اسلام، رفتار عادلانه و متقابل، استقلال خواهی و اهم راهکارها از دیدگاه امام عبارت است از: تبلیغات اسلامی بیرون مرزی، الگوگیری مسلمانان از ایران، تبدیل مراسم حج به مراسم سیاسی - عبادی برای تحقق دکترین امام خمینی (حکومت جهانی اسلام) و راهکار عدم تعهد، تقویت توان داخلی، حمایت از مستضعفین جهان برای تحقق راهبرد استقلال.

از آغازین روز تولد انقلاب تاکنون، پرسشهای بسیار، در باره اهداف سیاست خارجی جمهوری اسلامی و چگونگی عملکرد آنان در نظام بین الملل، مطرح شده است، که تلاش ما بر آن است، تنها به گوشه‌ای از آن و در حیطه بضاعت اندک علمی خود، پاسخ گوئیم و رهیافت ما برای درک چرایی و چگونگی سیاست خارجی در دو



دهه گذشته، اندیشه‌های امام خمینی «ره» است که روح کلی حاکم بر سیاست خارجی جمهوری اسلامی، از آن نشأت گرفته است.

فرض ما بر این بوده است که:

الف) با وقوع انقلاب اسلامی، تغییرات ژرفی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی پدیدار شده است.

ب) انقلاب ایران، یک انقلاب ایدئولوژیک و رهبری آن بر عهده ولی فقیه است، لذا اهداف و اصول عملی سیاست خارجی، نیز تحت تأثیر، ایدئولوژی اسلام و شخصیت امام «ره» ترسیم و به اجرا در آمده است. به همین ملاحظه، بررسی دیدگاهها و نقش امام خمینی «ره» در تکوین و تبیین سیاست خارجی، ضروری است.

شالوده سؤال اصلی ما در تحقیق حاضر نیز بر این بنیان است:

از نظر رهبر انقلاب اسلامی ایران، در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران چه راهبردها و راهکارهای لحاظ شده است؟

شاید بتوان یکی از غیر همانندیهای امام خمینی «ره» با سایر رهبران انقلابی را به غیر از «پارسایی سیاسی»، در توجه به سیاست خارجی، حتی قبل از تشکیل حکومت اسلامی بدانیم. انقلاب اسلامی ایران که با خروج رهبر انقلاب از فرانسه و ورود به خاک ایران، واقعیت یافت. و یکی از غیر همانندیهای انقلاب ایران با انقلابات دنیا، یعنی قرار گرفتن چهره روحانی در رأس انقلاب را به نمایش گذاشت. و امام خمینی «ره» و مردم در برابر آزمونی بزرگ و در دست گرفتن قدرت با اتکاء به مبانی ایدئولوژیک، قرار گرفتند. امام از همان ماههای نخست انقلاب ناگزیر از موضعگیری در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران شدند، چرا که گزینش نخستین وزیر امور خارجه، یعنی دکتر سنجابی که به زعم امام خمینی «ره» که قادر نبود سیاست نه شرقی و نه غربی را پیاده کند مخالف موازین مورد قبول رهبر انقلاب بود.

در دوره دومین وزیر امور خارجه، که به هر روی می‌بایست بیانگر حالات و خواستههای ملتی انقلاب کرده در فرامرزهای ایران باشد، از خواست امام «ره» در سیاست خارجی فاصله گرفتند. چه دکتر یزدی که به مدت نه ماه، متصدی حساس‌ترین پست سیاسی ایران بود، نه تنها به شعار «نه شرقی و نه غربی» باوری نداشت که اعلام

داشت «مسیاست خارجی خودمان را با عذرخواهی از آمریکا به خاطر شعار «مرگ بر آمریکا» می‌کنیم»^(۱)

با اشغال سفارتخانه آمریکا در ۱۳ آبان ۱۳۵۸، انقلاب ایران وارد مرحله عملی مبارزه با ابر قدرت جهان شد. و امام با تأیید آن از خود چهره یک «آرمان‌گرای واقع بین» را به منصفه ظهور گذاشت.

سومین فردی که در دوران پرتلهاب پس از انقلاب در مقام وزارت امور خارجه قرار گرفت ابوالحسن بنی‌صدر بود که صراحتاً در روزنامه انقلاب اسلامی نوشت: «به حاکمیت اسلام، در روابط خارجی اعتقادی ندارم» و شایان توجه آنکه هر سه وزیر امور خارجه به دلیل اختلافاتی که با امام خمینی «ره» در فهم و عمل به مسائل سیاست خارجی داشتند، مستعفی شدند.

در این میان، ماجرای استعفای بنی‌صدر فراز عبرت‌آمیزی از تاریخ سیاسی پس از انقلاب اسلامی است، زیرا «زمانی که موضوع جاسوسان آمریکایی در شورای امنیت سازمان ملل مطرح می‌شود، بنی‌صدر اعلام می‌کند که شرکت می‌کنم و امام پیغام می‌دهند که هر کس برای شرکت در این شورا برود، من از همانجا عزلش می‌کنم و دیگر حق آمدن به ایران را ندارد»^(۲)

اما چهارمین فرد در جایگاه وزارت امور خارجه، صادق قطب‌زاده، از فعالین سیاسی خارج از کشور بود که او نیز در این سمت، اقدام به اعمال شگفت‌انگیز نمود، از جمله انتصاب شاه‌اویسی به کارداری ایران در یونان، «شخصی که در داخل کشور تحت تعقیب مقامات قضائی بود. و همو با قطب‌زاده در طرح براندازی نظام در جهت منافع آمریکا شرکت داشت و به همراه قطب‌زاده در اوائل سال ۱۳۶۱ اعدام شد»^(۳)

با استعفای قطب‌زاده، به علت منازعات شدید و عمیق میان بنی‌صدر رئیس‌جمهور و محمدعلی‌رجائی نخست‌وزیر به مدت ده ماه و به ویژه بر اثر لجاجت‌های بنی‌صدر که اجازه‌گزینش وزیر امور خارجه را با این منطق که «فقط من باید وزیر خارجه را انتخاب کنم»^(۴) نمی‌دهد، وزارت خارجه نه تنها وزیر ندارد که معاون وزیر مورد قبول هم نداشته، سفرا و کارداران هم کسانی هستند که در زمان وزارت و زرای سابق به خارج از کشور فرستاده شده‌اند.



اما، افسوس رخداد از آن روست که آن ده ماه در اوج جنگ عراق علیه ایران بود که علی‌الاصول، انقلاب اسلامی می‌بایست فعالترین دیپلماسی در سطح جهان را ایفاء می‌نمود.

... روح حاکم بر وزارت امور خارجه ایران در آن روزگار پر اضطراب چنانکه پروفیسور جیمزبیل نیز اذعان دارد «هواداری بیش از اندازه از آمریکا است»^(۵) این در حالی بود که آمریکا و دولت مردان آن سعی در نادیده گرفتن رهبر انقلاب داشته و دیپلماسی خود را، مبتنی بر رابطه با دولت، پس از انقلاب قرار داده بودند، اما چنانکه کارل کلمنت، اعتراف دارد دولت فاقد هرگونه قدرت بود و قدرت واقعی در دست امام خمینی «ره» بود.^(۶)

در حالی که در فرانسه در سیاست خارجی خود، برخورد واقع بینانه‌تری با انقلاب اسلامی داشته و سفرای آنان خیلی زود، ملاقات‌هایی با امام خمینی «ره» ترتیب دادند. و لذا در آینده، انقلاب اسلامی، تنش‌های کمتری به نسبت آمریکا، با این دو کشور داشت.

آنگاه که در راستای اهداف انقلابی، حبیب‌القائیان، یک تاجر یهودی در دادگاه انقلاب محکوم به اعدام شد. سنای آمریکا، این عمل را مدرکی دال بر وجود یک برنامه انقلابی علیه یهودیان قلمداد کرده، و «قطعنامه‌ای در ۱۷ ماه مه ۱۹۷۹ در محکوم کردن اعدام انقلابی در ایران تهیه کرد»^(۷) و لحظه به لحظه بر تنش‌های موجود در سیاست خارجی ایران با آمریکا افزودند که نمونه‌هایی از آن عبارت بود از: عملیات طبس، پشتیبانی همه‌جانبه از عراق، تحقیر ایرانیان به هنگام ورود به آمریکا، ورود در غالب گردهمائی‌ها و تصمیمات سیاسی علیه ایران و حضور ناوگان هراس‌انگیز خود در خلیج فارس،...

امام خمینی «ره» نیز به نوبه خود، در رویارویی همه‌سویه‌ای با آمریکا قرار گرفت و از همان لحظه صدور قطعنامه سنا، در واکنشی انقلابی اعلام نمودند که: «این واقعه به عنوان نمونه اولیه ریاکاری و خصومت آمریکا در قبال انقلاب است».^(۸)

با موضعگیری ضد آمریکایی ایران در سیاست خارجی، همچون، خروج از ستو در فروردین ۵۸ که توازن استراتژیک منطقه به طور محسوسی به نفع شوروی بر هم

خورد،^(۹) تغییر موضع در قبال اسرائیل حامی محمد رضا شاه در منطقه و حمایت از فلسطین و داعیه پیشقراولی در مبارزه علیه استکبار هر لحظه بر خشم و خشونت آمریکا از انقلاب اسلامی افزوده می‌شد، به طوری که شهید دکتر بهشتی (رحمه الله علیه) اظهار داشت: آمریکا از ما عصبانی باش و از این عصبانیت بمیر.

باگذر از ایام انقلاب اسلامی همچنان آمریکا به زعم رهبر اسطوره‌ای شورش^(۱۰) ایران به عنوان شیطان بزرگ شناخته می‌شد.^(۱۱)

به هر روی، اقوال و رفتارهای، امام خمینی «ره» در سیاست خارجی در جهان بی تأثیر نبود، که ما برای ورود به بحث اشاره می‌نماییم که دمیتری ژوکوف، اندیشمند روسی که با نگاه بیرونی، به شخصیت امام خمینی «ره» نگریسته، و نظر او اخیرترین نظریه علمی است که در باره امام خمینی «ره» از سوی محافل علمی روسیه در اسفند ۱۳۷۷ ابراز شده معتقد است که مهمترین خطوط برجسته سخنرانیهای امام در طول زندگیشان عبارت است از:

۱- حمله به آمریکا و اسرائیل

۲- تأکید بر وحدت

۳- مخالفت با جدایی دین از سیاست^(۱۲)

در باور ما، مقاطع حساس و سرنوشت ساز پس از انقلاب در سیاست خارجی تا رحلت امام، عبارت بود از: کودتای نوژه، اشغال سفارتخانه آمریکا، عملیات دلتا (طرح نجات گروگانهای آمریکایی)، جنگ تحمیلی هشت ساله عراق علیه ملت مظلوم ایران، حمایت همسو به عراق از سوی قدرتها و دولتهای دنیا، عملکرد منفعلانه سازمانهای بین المللی در جریان جنگ، تحریم اقتصادی ایران، حضور ناوگان آمریکا در خلیج فارس، صدور فتوی تاریخی علیه سلمان رشدی، پذیرش قطعنامه ۵۹۸ و پیام به رهبر شوروی.

شالوده‌های نظری اندیشه امام «ره» در سیاست خارجی

غیر همانندی اندیشه سیاسی در اسلام و اندیشه‌های سیاسی غیر اسلامی، سبب شده است که دنیا از فهم بسیاری از کنشها و واکنشهای جمهوری اسلامی در سطح





جهان، ناتوان و حتی آنانی که با جمهوری اسلامی همدلی و هم ذات پنداری دارند، از درک تمامی آن اظهار عجز بنمایند. از این رو شناخت بنیادهای نظری اندیشه امام راحل «ره» به عنوان بنیان گذار سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، نه تنها ضروری که اجتناب ناپذیر می نماید.

به نظر می رسد، اعتقاد تفکیک ناپذیری دین و سیاست، یک عنصر اساسی در اندیشه امام در سیاست خارجی باشد، که با رها به آن التزام عملی خود را آشکار ساخته اند. بدیهی است شناخت همین اصل، خود به شفافیت و درک مواضع جمهوری اسلامی ایران، در دو دهه گذشته یاری خواهد رساند.

امام خمینی «ره» در سخنانی که در جمع وزیر امور خارجه و هیأت سفرای ایران در کشورهای خارج در ۲۲/۳/۱۳۵۸، ایراد نمودند، بر این اساس، ابرام می ورزند که: «در سفارتخانه هایتان، رنگ اسلامی بدهید، نترسید از اینکه بگویند عقب افتاده اند، سفارتخانه هایتان همه را اسلامی کنید، آن جهات غربی اش را اصلاح کنید. هر چه جهت اسلامیش را بیشتر کنید از شما بیشتر حساب می برند...مجالستان را اسلامی کنید. اسم خدا را آن بالا یک جا بنویسید، بسم الله الرحمن الرحیم را بنویسید، خوف نکنید، این را رسمی اش بکنید که بسم الله در همه کاغذها باشد.» (۱۳)

یا در پاسخ بنام خالد بن عبدالعزیز پادشاه عربستان، اظهار شگفتی می نمایند که چگونه خادمین حرمین شریفین از اصل اساسی جدائی ناپذیری دین از سیاست بی خبرند که بالطبع اعتقاد به آن در مواضع خارجی آنها اثر می گذاشت و اظهار می دارند: «من نمی دانم ائمه جماعات حرمین شریفین از اسلام چه برداشت کرده اند و چه فهمیده اند که زائرین حرمین شریفین را به اسم از دخالت در سیاست منع می کنند.» (۱۴) یا در جای دیگری، با این اظهار عقیده که: بر ما واجب است طرحهای فهد و سادات که به نفع مستضعفین نیست را محکوم نمائیم و هر مسلمانی مکلف است در مقابل آنها بایستد و سازش نکند. (۱۵) به واقع سیاست کلی در منطقه رانیز، صبغه دینی بخشیده اند.

از دیگر باورداشت های امام در باره سیاست خارجی در همین زمینه، میتوان به درک و تلفیق زیرکانه ایشان از موقعیت ژئواستراتژیک و ایدئواستراتژی ایران اشاره

کرد، امام خمینی «ره» ضمن اذعان به ضرورت حفظ آرمان و ارزش‌های اسلامی، هم‌زمان بر حفظ کیان مملکت اسلامی تأکید داشتند، و لذا دو پایه سیاست خارجی حکومت اسلامی یکی حفظ اسلام و دیگر ممالک اسلامی و در واقع امتزاج میان اسلامیت و ملیت برقرار شد.^(۱۶) که این تفکر در جمله امام، هویداست: دفاع از اسلام و کشورهای اسلامی امری است که موقع خطر، تکلیف شرعی، الهی و ملی است.^(۱۷) چه، امام خمینی «ره» نیک دریافتند که، دشمنان خارجی انقلاب نیز ایران را به عنوان کانون خطر و وحدت جهان اسلام را خطر تبعی آن قلمداد کرده، لذا اولویت، نقشه‌های آنان ابتدا در براندازی حکومت اسلامی ایران متمرکز شده و سپس پرانشقاق بین سران جهان اسلام و ممانعت از تحقق جهان وطن اسلام، مؤید گفتار ما این سخن برژینسکی است که: ما برای اینکه جمهوری اسلامی را از پای در آوریم، باید جنگهای قومی و مذهبی را در مرزهای این کشور گسترش دهیم.^(۱۸)

امام خطاب به گروهی از کارکنانی که عازم شوروی بودند التزام عملی آنان به ایدئولوژی اسلامی را در کسوت نمایند، سیاسی ایران در برون مرزها، چنین یادآوری می‌سازند: در میزبانی که مشروب و منکرات است سر آن میز نشستن بر حسب اسلام حرام است حتی کسی که هیچ مشروبات نمی‌خورد و سر یک میزبانی اگر یکی طرف مسکر باشد، سر آن میز حرام است بنشیند، این حکم خدا و البته استعمالش دیگر معلوم است.^(۱۹)

عملی شدن چنین اندیشه‌هایی در سیاست خارجی بر روابط ایران با بسیاری از کشورهای دنیا اثر گذاشت و تطوراتی را در تنظیم برنامه‌های سیاست خارجی ایران و کشورهای خواهان ارتباط با آن باعث گردید. و پیامد آن بالطبع غیر همانندیهایی در رفتار سیاسی هیأت‌های اعزامی ایران به خارج از کشور و نوع برخورد و میزبانی ایران از هیأت و نمایندگیهای سیاسی خارجیها در ایران بود که برای نمونه می‌توان به برگزاری ضیافت‌های اسلامی فقدان کروات در پوشش رسمی هیأت‌های نمایندگی ایران، ضوابط خاص حاکم بر حضور زنان در نشستهای سیاسی، اقتصادی و اجتماعی ایران و خارجیها و بالعکس، اشاره کرد.

اما، آنچه ما از توصیه‌های امام خمینی «ره» به هیأت اعزامی به شوروی استنباط



می‌کنیم، یک آرمان‌گرایی واقع‌بینانه است، به یک معنا که از یک سو امام به اهمیت موقعیت ژئوپلیتیک ایران و همسایگی با ابرقدرت شرق (شوروی) آگاهی داشتند و عقل و مصلحت‌گرایی ایجاب می‌کرد که روابط تنش‌آلودگی با عنایت با بحرانهای پیچیده داخلی، فیما بین بروز ننماید، اما از سوی دیگر ایدئواستراتژی سبب می‌شد که این رابطه، به هر حال و به هر بها صورت بگیرد و به هر صورت شوروی در یک رفتار متقابل، باید می‌پذیرفت که ایران پس از انقلاب اسلامی، مؤلف‌های نوینی را در سیاست خارجی دارا شده و عمل به آن، برای شوروی ضروری است.

دیدگاه ایدئواستراتژی امام خمینی «ره» با طرح سیاست و تحلیلهای ویژه، ایشان در مورد دشواریها و قضایای منطقه، آشکار می‌شود، برای نمونه امام در جمع اعضای جنبش امل که چشم‌امید به انقلاب اسلامی آنها را به دیدار رهبر انقلاب، سوق داده بود، می‌گویند: «از آنجا که منطقه در شرف یک نهضت اسلامی عمومی است، آمریکا دست به طرح قضایایی زده است. تا بلکه بتواند دست مردم بی‌پناه منطقه را از سرنوشتشان کوتاه کند. و متأسفانه بعضی از دولت‌ها هم آنها را کمک می‌کنند. بر فرض که آمریکا و اسرائیل لا اله الا الله بگویند ما قبول نداریم، چرا که آنها می‌خواهند سر ما کلاه بگذارند، آنها که صحبت از صلح می‌کنند می‌خواهند منطقه را بلغند بی تفاوت باشیم؟ نه ما با هیچکدام از ابرقدرتها و قدرتها سازش نداریم، نه تحت سلطه آمریکا می‌رویم نه زیر بار شوروی.» (۲۰)

مبانی دینی و فقهی مؤثر در تصمیم‌گیریهای رهبر انقلاب به عنوان چهره دووجهتین سیاسی و دینی، در اواخر زمستان ۱۳۶۷، امام خمینی «ره» را به سوی صدور فتوایی در موضع یک رهبر سیاسی - دینی علیه سلمان رشدی، نویسنده کتاب کفرآمیز آیات شیطانی سوق داد، از هراس، شگفتی موضعگیری علیه جمهوری اسلامی و جستجو برای یافتن همانندی برای آن در معادلات سیاسی جهان و نظام بین‌الملل از سوی محافل داخلی و خارجی، راپدید آورد اما چه واهمه که منبع صدور فتوی‌ای امام خمینی «ره» اقتضاءات اسلام بود.

دیگر شالوده‌نظری اندیشه امام که بارها در دیدارهای با سفر او نمایندگان ایران



در خارج از کشور، نیز بر آن صحه گذاشته و اساساً پیامد جدایی‌ناپذیر، ایدئواستراتژی در سیاست خارجی نیز به شمار می‌رود، عبارت است از:

آمیختگی سیاست داخلی و خارجی، که در این پیام امام تجلی یافته است «قوی باشید و پشت هم باشید، دولت و ملت با هم باشد، ملت پشتیبان دولت در امور باشد، دولت خدمتگذار ملت باشد شرکت بدهند مردم را در همه امور.»^(۲۱)

در پیامی به ملت ایران در آغازین روز جنگ تحمیلی تکلیف مواضع مردم و دولت در قبال یکدیگر را در سالهای پر اضطراب جنگ، اینگونه ترسیم می‌نمایند: «اکیداً همه قشرهای ملت و ارگان‌های دولتی موظف شرعی هستند که دست از مخالفت‌های جزئی که دارند، بردارند و با مخالفت خود کمک به دشمنان اسلام ننمایند.»^(۲۲)

در سخنانی دیگری، ضمن مشخص نمودن برنامه‌هایی ایران در جنگ به دولت مردان ایران هشدار می‌دهند که: «شما اگر مردم نبودند نمی‌توانستید این جنگ را اداره کنید.»^(۲۳)

اما بدون شبهه با طرح و اجرای اصل استکبار ستیزی، پس از انقلاب اسلامی از سوی امام خمینی «ره»، انقلاب ایران دوران دشواری را تجربه کرده و در لحظات بسیاری از حیات سیاسی خود را هم سرنوشت با مسلمانان صدر اسلام می‌دید که به اقتضای ایدئولوژی اسلامی در رویارویی نابرابری با کفر قرار گرفته است، چه شکل‌گیری این شالوده نظری اندیشه امام نیز نشأت از الهامات قرآنی داشت، آنجا که خداوند می‌فرماید:

«ولن يجعل الله للكافرين على المؤمنين سبيلاً»^(۲۴) و «بل الذين كفروا في عزة و شقاق» (سوره ص - ۲) کفار دارای تعصب و حمیت نژادی و پراکنده کردن می‌باشند، چنین شد، که پس از انقلاب واژه استکبار به جای کفر به کار برده می‌شود در حالی که استکبار جنبه‌ای از کفر و منظور سران کفر میباشد. یعنی علاوه بر آن که کافرنند، نسبت به کفار دیگر هم ارشدیت دارند.^(۲۵)

به این تربیت با واقعیت یافتن انقلاب اسلامی در ایران، واژگان بدیعی یا مفاهیمی جدیدی از واژه‌های گذشته، را به قاموس فرهنگ لغات متداول جهانی وارد شده



همانند: «مستضعفین» «جهان اسلام» «مستکبرین»، «اسلام ناب محمدی»، «بسیج» و کشور امام زمان و کفر جهانی....

از سمبل‌های کفر در منظر نگاه امام خمینی «ره» «صدام حسین» و دولت تحت امر او بود که در جمع اعضای هیأت بررسی کننده جنگ تحمیلی عراق علیه ایران، صراحتاً می‌گویند: صلح بین اسلام و کفر معنا ندارد. (۲۶) در باور امام، قدرتهای استکباری در صحنه نظام بین الملل منافع دینی، اقتصادی، فرهنگی و سیاسی - ملی مسلمانان و مستضعفان را به مخاطره می‌اندازند. و از دیگر مظاهر استکبار جهانی، ابر قدرت شرق و غرب بودند، که در جنگ عراق علیه ایران به همراه قدرتهای کوچکتری همانند فرانسه، انگلیس و شبه قدرتهایی چون اردن، مصر، عربستان، و کشورهای حوزه خلیج فارس در جبهه مخالف ایران صف کشیده بودند، اما هر چه فشار خارجی به انقلاب اسلامی افزوده می‌شد، به قدرت و طول انقلاب کمک می‌رساند. چنانکه، فرد هالیدی در کتاب انقلاب و روابط بین الملل REVOLUTION AND INTERNATIONAL RELATION معتقد است. که در ژانویه ۱۹۸۹ اکثر کارشناسان معتقد بودند که انقلاب ایران که در اثر جنگ و بحران اقتصادی به شدت ضعیف شده، بزودی به طرف صلح و آشتی با غرب رو خواهد آورد، اما درست در همین زمان بود که «بحران رشد» توسط این کشور بوجود آمد. (۲۷)

امام خمینی «ره»، با برخورداری از خصلت «اهلیت و هوشمندی سیاسی» فوراً به ارزشهای سیاسی فشارهای خارجی پی برد و در سخنرانیهای که پیرامون جنگ ایراد می‌نمودند، از این شگرد با توانمندی و درایت بهره برده و ایستادگی در جنگ را به عنوان پایداری در برابر استکبار تلقی می‌کردند. لذا بر نهجیدات خارجی انگشت گذاشته و تأکید می‌کردند: «امروز به نظر می‌رسد ما، تنها مانده ایم زیرا تقریباً تمامی نیروها در شرق و غرب یا مستقیماً با ما مخالفت می‌کنند و یا بطور غیر مستقیم علیه ما فعالیت دارند. (۲۸) یا ما در جنگ ابهت دو ابر قدرت شرق و غرب را شکستیم. (۲۹) سرسختانه‌ترین مواضع امام علیه استکبار جهانی، در «پیام‌های براءت» که شاید بتوان منشور انقلاب اسلامی در سیاست خارجی نامید متبلور شده است. نمونه مورد

نظر ما این پیام برائت است: «فریاد برائت ما از مشرکان و ملحدان استکبار جهانی و در رأس آن آمریکای جنایتکار را در کنار خانه توحید طنین اندازید.»^(۳۰)

از آن فراتر، امام خمینی «ره» که جایگاه رهبر مسلمانان جهان را یافته بود از امت اسلامی می‌خواهد که سیاست خارجی حکومت اسلامی را در گردهمایی عظیم حج به نمایش در آورند، آنجا که از حجاج می‌خواهند: به امتی شکست‌ناپذیر و بنیانی مرصوص مبدل گردند که نه ابر قدرت شرق یارای مقابله با شما را داشته باشد و نه غرب.^(۳۱)

یا در قسمتهای دیگری از همان پیام برائت مصمم اند که نشان دهند، انقلاب ایران تنها محدود به جغرافیای سیاسی ایران نیست و نخواهد بود و ایشان مرزهایی به وسعت تمام جهان اسلام را مورد نظر دارند، اظهار می‌دارند که: فریاد برائت ما فریاد برائت مردم لبنان و فلسطین و همه ملت‌ها و کشورهای دیگری است که ابر قدرتهای شرق و غرب خصوصاً آمریکا و اسرائیل به آنان چشم طمع دوخته‌اند و سرمایه آنان را به غارت برده‌اند و سرسپردگان خود را به آنان تحمیل نموده‌اند.^(۳۲)

برای تبیین این نکته که استکبار ستیزی تنها بر ایران و مسلمانان جهان محدود نمی‌شود اعلام می‌نمایند: فریاد برائت ما، فریاد برائت همه مردمانی است که دیگر تحمل تفرعن آمریکا و حضور سلطه طلبانه آن را از دست داده‌اند.^(۳۳)

اما، مگر خطا یا خیانت نابخشودنی ابر قدرتها از دیدگاه امام چه بود که باید جهانیان همه خشم و نفرت خود را نثار آنها نمایند؟ به نظر می‌آید در باور امام خمینی «ره» «ره»، گناه بس جبران‌ناپذیر ابر قدرتها، عقب‌نگه داشتن ملل جهان سوم بود و اگر ابر قدرت شرق و غرب علیرغم تفاوت‌های بسیار در مخالفت با جهان سوم در جبهه مشترکی اقدام می‌نمایند چرا جهان سوم در «استثمار ستیزی» همدلی و همراهی نداشته باشند؟ این دیدگاه در این کلام امام خمینی «ره» چنین آمده است که: مرادوات ابر قدرت شرق و غرب به خاطر مهار بیشتر جهان سوم و جلوگیری از نفوذ پابره‌ها و محرومین در جهان و مالکیت‌های بی حد و مرز سرمایه داران است.^(۳۵)

حتی خطاب به هیأت سفرای ایران از آنان مصرأ می‌خواهند که عزت و مناعت طبع اسلامی و پرستیژ سیاسی خود را حفظ نمایند.



ایشان خواهان تکرار روابط سلطه جویانه گذشته ابر قدرتها بر ایران نمودند ابر قدرتها به زعم ایشان اعتماد به نفس و استقلال فکری ملتها را گرفته و به نیروهای انسانی اهانت کرده‌اند.

اگر چنانچه غرب ستیزی در مبارزه طلبی انقلاب اسلامی جایگاه ویژه‌ای یافته از آن روست که غرب نیز در همه یا اکثر توطئه‌های بین المللی و داخلی علیه ایران پیشاپیش صف قرار گرفته است، چنانچه امام دست عمال آمریکا را در شروع جنگ علیه ایران، آشوب‌های داخلی حتی در مورد فاجعه خونین مکه دخیل می‌دانند و بیان می‌دارند: «دوباره دست جنایتکار آمریکا و اسرائیل از آستین ریاکاران و سردمداران کشور عربستان و خائنین به حرمین شریفین به در آمد.»^(۳۶)

رویکرد دیگری که در سیاست خارجی جمهوری اسلامی وجود دارد و آن هم ملهم از اندیشه نظری امام در باب سیاست خارجی است، مصلحت‌گرایی می‌باشد، چنانچه دکتر دهشیری بیان داشته‌اند دولت در این رویکرد، ضمن استعمار ستیزی و بیگانه‌هراسی، عملی مرتکب نشود که موجبات کاهش و جاهت و افزایش تسلیح دیگران علیه وی را فراهم آورد.^(۳۷)

به نظر می‌رسد، مصلحت‌گرایی در بنیاد نظری اندیشه امام که بر سیاست خارجی جمهوری اسلامی حاکمیت یافته است، تحت عنوان "عقلانیت اخلاق‌گرا" نیز قابل تفسیر باشد. به این معنی که: "دو پایه عمده در سیاست خارجی یعنی تبعیت از منطق عقل و ارزشهای اخلاقی، نقش تبیین‌کننده‌ی در تحقق منافع ملی و اهداف آرمانی دارند."^(۳۸)

به اعتقاد، نگارنده مقاله "مصلحت" در سیاست خارجی، اصول سیاست خارجی حکومت اسلامی در:

۱- عزت ۲- حفظ استقلال ۳- حفظ منافع کشور ۴- عدم انزوا و توسعه.^(۳۹)
روابط خلاصه شده است و مصلحت‌گرایی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی، طبق تشخیص امام خمینی «ره» بر همین اصول قرار گرفته است. و در باور ایشان اگر چنانچه بین مصالح امت اسلامی و ملت تزامنی ایجاد شده می‌بایست به دکترین امام خمینی «ره» که "گسترش نفوذ اسلام در کل جهان" بود و همواره مصالح اسلام را به

ملت در شرایط تراحم اولویت می‌دادند عمل کرد.

در مبانی تصمیم‌گیری امام خمینی «ره» در سیاست خارجی نیز می‌بینیم که اندیشه عقلانیت یا مصلحت‌گرایی، لحاظ شده است چرا که: "قطع رابطه با دولتها بر خلاف عقل و بر خلاف شرع است و ما باید با همه روابط داشته باشیم" (۴۰) که این تبیین امام دقیقاً خلاف اظهار نظر امپریالیسم خبری بود که مدعی است که به جز قلمرو جهان اسلام، جمهوری اسلامی و امام خمینی «ره» تز انزواطلبی را در جهان پیشه خود ساخته است.

با در نظر گرفتن ملاحظات عقلانی و مصلحت نظام اسلامی بود که در دوره آغازین نظام، شاهد تعداد اندکی از مراودات دیپلماتیک جمهوری اسلامی ایران در نظام بین الملل هستیم، چرا که "ایران با تغییر خط مشی، توان لازم برای فعالیت هم‌زمان در دو جبهه داخلی و خارجی" را نداشت.

راهبردها

پس از آنکه به اختصار به کلیدی‌ترین بنیادهای نظری در اندیشه امام در زمینه سیاست خارجی راهی یافتیم، اکنون، گاه آن فرا رسیده است دریابیم که چه راهبردهای عملی را رهبر انقلاب برای حاکمیت بخشیدن به اندیشه‌های خود، عرضه کرده که آن راهبرد در شمار اصول عملی سیاست خارجی جمهوری اسلامی در دو دهه گذشته در آمده است.

غالب پژوهشگرانی که در باره امام خمینی «ره» به تحقیق پرداخته‌اند در مورد این که یکی از اصول عملی سیاست خارجی از دیدگاه امام خمینی «ره»، جهانی شدن اسلام بود، اتفاق نظر دارند که ما نخست به توضیح این اصل از کلام امام پرداخته و در مبحث بعد راهکارهای ایشان برای تحقق این هدف فراملی می‌پردازیم.

در جهان وطن اسلامی، مورد نظر امام، موانع جغرافیایی زبان مفهومی نداشته و آنچه این انسانها را در ساسر جهان به هم پیوند زده و جزء امت واحده اسلامی می‌نماید، ایمان اسلامی است. در واقع ملاک امام در اعتقاد به این راهبرد نیز از وظیفه اسلامی، بر آمده است. به همین دلیل در مورد معضلات کشورهای اسلامی به یک



همدلی کلامی اکتفا نکرده و وظیفه شرعی خود و جامعه اسلامی را در حل آن معضل می‌دیدند و اگر چنین باوری نبود، امام در پاسخ خبرنگار "البیرق" در آبان ۱۳۵۷ در پاسخ به پرسش نظر شما در مورد سرنوشت قدس چیست؟ اظهار نمی‌داشتند که "قدس متعلق به مسلمین است و باید به آنان برگردد." (۴۱)

آن همه طمأنینه سیاسی در تبیین ایده آنها و اهداف در سیاست داخلی و خارجی از قدرت لامیزان الهی سرچشمه می‌گرفت، چنانکه در آذر ۱۳۵۷ در پاسخ به پرسش، روزنامه نگاران شوروی و تایمز لندن که، آیا شما خواستار تأسیس یک فدراسیونی از دولتهای اسلامی در منطقه هستید؟ می‌گویند "در صورتی که مقتضی بشود، امکان دارد." (۴۲)

با اموری بر اهم مواضع امام خمینی «ره»، در می‌یابیم که ایشان در سیاست خارجی قبل از هر چیز (اسلام) را در نظر گرفته و سایر متغیرهای محیط بین‌المللی را با توجه به امت مسلمان ارزیابی و سپس موضعگیری می‌کردند. (۴۳)

و به اقتضای شرایط پیش آمده است که، اعضای سازمان جنبش امل را مستظهر می‌نمایند که: "ما لبنان را از خودمان می‌دانیم، شیعیان لبنان و ایران و مسلمانان همه جهان یکی هستند."

و در نهمین ماه از نخستین سال انقلاب، در دیدار سفیر الجزایر چنین بیان راهبردی و حمایتگرانه‌ای دارند: "ما این نهضت را یک نهضت ایرانی نمی‌دانیم، بلکه این نهضت اسلامی و نهضت مستضعفین در مقابل مستکبرین است." (۴۴) و خطاب به ابو عمار از شورای انقلاب الفتح می‌گویند: "مشکلات شما، مشکلات ماست، چنانچه مشکلات ما، مشکلات شماست." (۴۵) مبنای باور فوق نیز، مستقیماً از اندیشه سیاسی، اسلام سرچشمه گرفته است.

آنگاه که امام خمینی «ره» از جهان اسلام و واژه خاصتر اسلام ناب محمدی می‌گفت، یک شور فکری هم در مسلمانان و هم متفکران غیر اسلامی را بر می‌انگیخت که در بطن چنین مفاهیم و واژه‌های تعمق نمایند و پیامهایی از نوع پیامی که برای شهادت علامه عارف حسینی از سوی امام، فرستاده می‌شد که: "درد آشنایان جوامع اسلامی باید توجه کنند که در آغاز راه مبارزه‌اند و برای شکستن سدهای

استعمار و استثمار و رسیدن به اسلام ناب محمدی راه طولانی در پیش دارند." (۴۶)

درک والایی را از جهان بینی اسلام می‌طلبید.

دیدگاه بسیاری چه در درون و چه در برون مرزهای ایران، بر آن بود که چنین تکاپوهائی از سوی جمهوری اسلامی، همان تز توسعه‌طلبی و امپراطوری است در قالب ایدئولوژیک.

فردهالیدی، نیز بر آن است که همه انقلاب‌ها بر اساس تعهد بین‌المللی، تمایل به جهانی شدن دارند که نمونه آن "بیانیه‌های پان‌اسلامیستی امام خمینی «ره»، است و به زعم او در انقلاب ایران، بسی فراتر از چهارچوبهای مذهبی و مرزهای قراردادی خود عمل کرده است." (۴۷)

از این رو، امام خمینی «ره» در مقام پاسخ به چنین شبهاتی بر آمدند:

"ما این واقعیت و حقیقت را در سیاست خارجی و بین‌الملل اسلامیمان بارها اعلام نمودیم که در صدد گسترش نفوذ اسلام در جهان هستیم و اگر نوکران آمریکا نام این را توسعه‌طلبی می‌گذارند از آن باکی نداریم و استقبال می‌کنیم ما در صدد خشکانیدن ریشه‌های صهیونیسم، سرمایه‌داری و کمونیسم در جهان هستیم. ما تصمیم گرفته‌ایم به لطف و عنایت خداوند بزرگ نظام‌هایی را که بر این سه پایه استوار گردیده‌اند نابود کنیم." (۴۸)

با مخاطب قرار دادن، مسلمانان جهان در وصیت‌نامه خود، که مقام منشور انقلاب اسلامی را یافت، اهتمام خود را برای سرلوحه قرار دادن تز جهانی شدن اسلام برای آیندگان را نیز بروز دادند.

شما مسلمانان پای‌بند به ارزشهای اسلامی می‌بینید که جدائی و انقطاع از شرق و غرب برکات خود را دارد، نشان می‌دهد." (۴۹)

صلح خواهی قانون‌مند

در عرصه روابط بین‌الملل، صلح و ثبات پایدار، از اصول مورد قبول و گاه ادعایی و آرمانی همه کشورهاست که التزام عملی کشورها به صلح، بیش از ادعاها و قراردادهای فیما بین و نشست‌های سیاسی، اهمیت و کاربرد دارد. از آنجاکه اسلام مبنا



را بر صلح خواهی گذارده و حیات سیاسی پیامبر اکرم نیز مبین آن بوده، بنابر این مبنای اعتقادی، این اصول در سیاست اعلامی و عملی جمهوری اسلامی از سوی امام خمینی «ره»، روشن می‌شود. و بر همین اساس نوع نگرش امام خمینی «ره» به صلح و ثبات، با نگرشهای رایج در عرف سیاسی جهان، غیر همانندی آشکاری دارد. به نظر ایشان: "منشأ نزاعها و اختلافها خودگرایی است و چنانچه به خداگرایی تغییر جهت نیابد"،^(۵۰) آرزوی دست نیافتنی بشریت، صلح خواهد بود.

و به صلح نه برای میهن و هواخواهان خود که به "صلح جهانی" می‌اندیشد. مشخصه‌های صلح خواهی، امام خمینی «ره» یک آنکه تحقق خدامحوری را اصل پایدار، تضمین عملی برای صلح ایجاد نمایند.

تنش زدایی و اصرار بر روابط دوستانه که از پیش شرطهای، صلح پایدار به حساب می‌آید، در بینش امام خمینی «ره» در باره صلح جایگاه والائی دارد، چنانچه در دیدار با سفیر شوروی برداشت خود را از خواست فوق چنین ابراز می‌کنند:

"ما می‌خواهیم با کسانی که می‌خواهند با ما روابط دوستانه داشته باشند، روابط دوستانه داشته باشیم."^(۵۱)

نه تنها خواستار صلح برای خود و شوروی هستند که در یک بیش فراملی در کسوت یک رهبر کاریز ما برای ایران و جهان اسلام، اعلام میدارند:

"من میل ندارم که کشورهای اسلامی روابط شان با شوروی غیر حسنه شود."^(۵۲) حتی در پاسخ به تلگراف برژنف، ضمن خطاب قرار دادن او به حضرت لئونید برژنف، اظهار می‌کنند: "امیدوارم جمهوری اسلامی ما که بر اساس اتحاد بنا شده در همبستگی و اتفاق ملل جهان و آسایش ابناء بشر نقش ارزنده‌ای ایفاء نماید.... آرزو دارم ملت‌های جهان در راه صلح و آرامش همچنانکه خواست اسلام و ملت ماست پیوسته کوشا باشند."^(۵۳)

در پیامی برای ژیسکار دستن بر روح صلح خواهی قانونمند تصریح نموده‌اند که:

"آقای رئیس جمهور، خواهشمندم مراتب حق‌شناسی و آرزوهای مرا برای سعادت ملت فرانسه بپذیرید."^(۵۴) به این ترتیب در این پیام، یادآور شده که صلح‌گرایی، الفبا و ادبیات ویژه‌ای را می‌طلبد که بسیاری از کشورها، هنوز اندر خم یک کویچه آن

گرفتارند.

در همین راستا، امام خمینی «ره»، معیار دیگری از پای بندی خود به صلح را ارائه می دهند: "پیغمبر ما بشر دوست بود و ما هم پیروی از آن دستور می کنیم و با همه اقشار بشر با تمام مستضعفین عالم روابط حسنه داریم. به شرط اینکه روابط متقابل و احترام متقابل باشد." (۵۵)

بر اساس این مدل و مبنای تصمیم گیری است که با دولت اسرائیل که بنیان خود را با بر هم زدن ساختار صلح منطقه پی افکند، قطع رابطه دائمی را مورد نظر قرار می دهند، اما شرط برقراری رابطه با آمریکا را مشروط به روابط حسنه آن دولت با ایران، مطرح می نمایند.

رفتار متقابل و عادلانه

این راهبرد، مبتنی بر همزیستی مسالمت آمیز و بر مبنای گفت و گو و احترام متقابل است "لذا این سیاست که تلفیقی از جهان گرایی و منطقه گرایی محسوب می شود بستر لازم برای سازواری و انطباق منافع ملت ها را فراهم می نماید." (۵۶)

بیانات امام خمینی «ره» مؤید گفتار ماست:

"آنچه عنایت تعلیمات اسلامی است همزیستی مسالمت آمیز در سطح جهان است." (۵۷)

"دولت آینده نسبت به همه دولت ها بیطرف خواهد بود و با تمام دولت ها به طور عادلانه رفتار می کند، مادامی که روابط متقابل حسنه باشد." (۵۸)

امیدوارم که کشور شما (شوروی) و دولت شما احترام متقابل را حفظ کند. (۵۹)

روابطی که ما را با فرانسه پیوند می دهد، همواره بر مبنای اخلاقی و تمدنهای ما و احترام متقابل پایه گذاری شده است. (۶۰)

با اذعان به جمله فوق، تز گفتگوی تمدنها، طرح شده از سوی آقای خاتمی در سازمان ملل می تواند برگرفته از اندیشه های امام خمینی «ره» باشد.

امام خمینی «ره» بر راهکار رفتار متقابل و عادلانه، حتی قبل از تشکیل حکومت در پاسخ به مصاحبه گر، کانال ۲ رادیو و تلویزیون آلمان در آبان ۱۳۵۷، تأکید





می‌ورزند: و در فردای آن روز در مصاحبه با فاینانشال تایمز که می‌پرسد، آیا از سوی قصد به منافع خارجیها در ایران پشتیبانی خواهید کرد؟
 "اگر خارجیها به آزادی و استقلال ایران احترام بگذارند، هرگز از ناحیه مردم به حقوق آنان در محدوده قانونیش زیانی وارد نخواهد شد." (۶۱)

برابری حقوق - قدرت

راهبرد امام خمینی «ره»، در این زمینه نیز یک راهبرد تلفیقی است. به این صورت که حضرت امام تلفیق موازنه قوا، اعتقاد دارند. برای نمونه، بلافاصله پس از ختم جنگ با عراق هشدار دادند که "با توجه به ماهیت انقلابمان در هر زمان و هر ساعت احتمال تجاوز را مجدداً از سوی ابر قدرت‌ها و نوکرانشان باید جدی بگیریم." (۶۲)
 یا در جای دیگر، برای مقابله با تهاجم تبلیغاتی رسانه‌های گروهی مرتبط با قدرت‌های بزرگ و وظیفه "طرفداران اسلام را برای احقاق خود، مجهز شدن به حربۀ تبلیغات دانسته تا چهره اسلام و جمهوری اسلامی در معرض شناخت همگان در آورده شود."

بر همین اساس، روابطی که منجر به ضرر ملت و ضعف ملت در برابر ابر قدرتها شود را به صلاح مملکت نمی‌دانند، از همین رو آمریکاییها (چون) به ضرر ما در ایران هستند، آنها را تحمل نخواهیم کرد. امام خمینی «ره»، در رابطه با ضرورت دستیابی به قدرت می‌گویند: "ضعیف محکوم این است که ابر قدرتها هر چه دلشان می‌خواهد بگویند و هر کاری می‌خواهند سر این ممالک ضعیف بیاورند و آنها هم صحنه بگذارند." (۶۴)

استقلال طلبی و تز (نه شرقی و نه غربی)

به نظر می‌رسد، امام خمینی «ره» در بیانات شور انگیزی که در بهشت زهرا نمودند، ایده آل خود در سیاست خارجی را با این جمله عیان نمودند که "من آمده‌ام، ملت را مستقل و دست اجانب را از مملکت کوتاه کنم."

و با طرح سیاست (نه شرقی و نه غربی) ضمن اعلام این راهبرد در سیاست

خارجی، جمهوری اسلامی بهت و حیرت جهانیان را از ادعای انقلاب اسلامی برانگیختند. در باور محققان انقلاب اسلامی، تز فوق، از مبانی فقهی برخوردار بوده است.

مفهوم حقوقی و فقهی این قاعده (نفی سبیل) این است که "خداوند در قوانین و شریعت اسلام، هیچ گونه راه نفوذ و تسلط کفار بر مسلمین را باز نگذاشته و هر گونه راه تسلط کافرین بر مسلمین را بسته است." (۶۵)

پس از انقلاب، ایران از موضع یک کشور طرفدار (وابسته) غرب تغییر کرد و سیاست خود را بر اساس "نه شرقی و نه غربی" تنظیم کرد و "ابداً" نیز منظور ایشان تداوم طرح موازنه منفی ملیون نبود که بر آن بودند تا از تضادهای قدرت بزرگ به سود کشور خود بهره بردند. (۶۶)

این سیاست خطاب به مجلس و در کلام امام آمده است که: "ما اگر توانستیم نظامی بر پایه نه شرقی و نه غربی واقعی و اسلام پاک و منزه از ریا را معرفی نمائیم انقلاب پیروز شده است." (۶۷)

اما، حدیث استقلال که جز با تحقق شعار نه شرقی و نه غربی، که هم به عنوان یک راهبرد و هم راهکاری برای دستیابی به استقلال، به شمار می‌رفت در کلام امام خمینی «ره» شنیدنی است: "باید ایرانی بسازیم که بتواند بدون اتکاء به آمریکا و شوروی و انگلستان، روی پای خود بایستد." (۶۸)

راهکارها

به نظر می‌رسد امام خمینی «ره» برای عینیت بخشیدن به هر یک از راهبردهای مورد نظر و اعلامی، راهکاری عملی را نیز مد نظر داشتند، چنانچه برای اجرای ایده آل بزرگ اسلام، یعنی حکومت جهانی اسلام این طریق را توصیه کردند:

الف: تبلیغات ب: فراخوانی مسلمانان به الگوگیری از ایران
ج: تبدیل مراسم حج به مراسم سیاسی - عبادی د: صدور انقلاب

الف: تبلیغات



یکی از دیدگاه‌های امام خمینی «ره» برای تحقق آرمان، حکومت جهانی اسلامی، انجام تبلیغات اسلامی است و در توصیه به سفارتخانه‌ها و دیپلماتهای ایران در خارج از کشور بر این مهم پای می‌فشارند که:

«دیپلماتهای کشور اسلامی ایران برتر از دیگر سفیران و دیپلماتهایند، و آنها باید در هر جا که باشند، اسلام را تبلیغ کنند.^(۶۹) باید وزارت خارجه کوشش کند، سفارتخانه‌ها، نشریات تبلیغی داشته باشند و چهره نورانی اسلام را برای جهانیان روشن نمایند.»^(۷۰)

راه دیگر تبلیغ اسلام و مهیا نمودن مقدمات اتحاد اسلامی در تأسیس حوزه‌های علمیه و ایجاد پشتوانه اقتصادی برای اهداف اسلامی، تشخیص داده شده است، در سال ۱۳۶۱ در نامه‌ای به نماینده منصوب خود در پاکستان، دستورالعمل می‌دهند که: اگر جایی نیاز به تأسیس حوزه علمیه جدیدی داشت، تأسیس کنند و در احیای مدارس علوم دینیه و تربیت طلاب سعی کافی مبذول دارند.^(۷۱)

جهت این تبلیغات، نیز گذشته از تمهید حکومت جهانی، برای تدارک پیش شرط دیگری است که عبارت از اتحاد کامل مسلمانان است. در نامه‌ای که امام برای ابن سعود در سال ۱۳۶۰ می‌نویسد، «عدم اتحاد مسلمانان» را عامل باز دارنده در جهت تحقق استراتژی عظیم اسلامی می‌داند.

وصیت امام راحل، خطاب به ملت‌های کشورهای اسلامی نیز این است که: «انتظار نداشته باشید که از خارج کسی به شما در رسیدن به هدف که اسلام و پیاده کردن احکام اسلام است، کمک کند»^(۷۲)

ب: فراخوانی مسلمانان به الگوگیری از ایران

اگر در تشکیل حکومت اسلامی در ایران، معیار و ملاک سیره عملی امام خمینی «ره»، قرآن، حدیث و رفتار پیامبر بود، دیگر کشورهای اسلامی را هم دعوت می‌نمایند که هراسی از تنگناها و ناملایمات به خود راه ندهند، و انقلاب اسلامی ایران را سرچشمه جنبش خود قرار دهند.

رهبر انقلاب از هر فرصتی برای هشدار و تشویق مسلمانان جهان به الگو قرار دادن

ایران، بهره برده و هیچ تردیدی نداشتند که سعادت ملتها با تأسی از ملت ایران تأمین می شود، در وصیتنامه بر این مهم مبادرت ورزیده و می نویسند که:

«اما به ملت‌های اسلامی، توصیه می‌کنم که از حکومت جمهوری اسلامی و از ملت مجاهد ایران الگو بگیرید و حکومت‌های جایز خود را به جای خود بنشانید.»^(۷۳)

راهی غیر از آن راه راننگ دولتها و ملت‌های اسلامی می‌دانند، امام تنها به پند دهی اکتفا نکرده و شرایط و پشتوانه آرمان خود را نیز مهیا و اعلام می‌نمایند که:

ما اعلام می‌کنیم جمهوری اسلامی ایران برای همیشه حامی و پناهگاه مسلمانان آزاده جهان است و کشور ایران به عنوان یک دژ نظامی و آسیب‌ناپذیر نیاز سربازان اسلام را تأمین و آنان را به مبانی عقیدتی و تربیتی اسلام و همچنین به اصول و روش‌های مبارزه علیه نظام‌های کفر و شرک آشنا می‌سازد.^(۷۴)

از این فراتر با بیاناتی ملت ایران را شایسته آن شمرده‌اند که: نقطه شروع حکومت جهانی اسلام به سرمدمداری امام عصر (عج) را از ایران دانسته‌اند. ولذا دولت اسلامی ضمن قدردان بودن چنین ملتی که چنان قرب و منزلتی یافته در نظر داشته باشند که اهداف حکومت جهانی اسلام در اولویت قرار دارد.

وظیفه اساسی ملت ایران را نیز گسترش اسلام در کل جهان قلمداد می‌کنند، همچنین ضمن فراخوانی دولتهای منطقه به همسویی و همکاری با جمهوری اسلامی برای دست رد زدن به سینه فتنه‌گران و جهان‌خواران بیش از آن مصالح اسلامی که مصالح خودشان و میهن‌شان است، معارضه نکنند.

رهبر انقلاب اسلامی، در مقام یک تئوریسین برجسته و اندیشمند، پیشنهاد نیروی سوم^(۷۵) از مسلمانان جهان در برابر دو ابر قدرت شرق و غرب را می‌دهد.

در زمان حیات والای سیاسی امام خمینی «ره» در برخی از نقاط جهان، تکاپوهای در راستای جنبش‌های رهایی بخش با صبغه اسلامی به منصفه ظهور رسید که حاکی از تلاش برای عملی کردن یکی از آرمان‌های امام خمینی «ره» در سیاست خارجی داشت: «امروز آوای نهضت امام خمینی «ره» در دورافتاده‌ترین نقاط جهان اسلام به گوش می‌رسد.»^(۷۶)

اظهارات، بنگاش سردبیر روزنامه کرسنت ایتر نشنال (هلال بین‌المللی) کانادا نیز

دلالت برای تحقق دست کم بخشی از آرمانها و استراتژی‌های حکومت جهانی اسلام دارد او در مصاحبه‌ای اظهار می‌نماید، فتوی امام خمینی «ره» علیه سلمان رشدی علیرغم تبلیغات رسانه‌های گروهی غرب و سعودیها در کانادا تحرکی به مسلمانان داد و دریافتند که رهبر مسلمانان در ایران تنها کسی است که برای حفظ شرافت پیامبر اسلام ایستاده و آن‌گاه که امام بر ضد آمریکا صحبت می‌کرد آرامشی به مسلمانان جهان دست می‌داد که حداقل یک رهبر مسلمان وجود دارد که می‌تواند در مقابل آمریکا بایستد و از حق مسلمانان دفاع کند. (۷۷)

ج: بهره‌مند شدن از مراسم حج

امام خمینی «ره»، برای خروج از بن بست عظیم تبلیغاتی که شبکه هماهنگ سلطه جهانی بر علیه انقلاب اسلامی اعمال نموده یک شگرد زیرکانه ظریف و عملی را فراروی مردم مظلوم انقلاب کرده ایران که در معرض هجوم انواع توطئه‌های داخلی و بین‌المللی واقع شده بود قرار داد و آن تبدیل کردن مراسم حج به بزرگترین میتینگ فرامرزی ایران در برابر دیدگان صدها هزار زائر مسلمان بود که خواسته یا ناخواسته مبلغان یا دست کم انتقال دهندگان اخبار و اهداف انقلاب اسلامی در دیگر کشورهای اسلامی می‌شدند.

حتی واقعه خونبار مکه و به شهادت رسیدن زائران در میعادگاه بزرگ اسلامی مانعی در برگزاری مجدد مراسم برائت در سالهای آتی، به شمار نرفت.

مطالعه و تعمق، پیامهای برائت که خطاب به زائرین بیت الله الحرام، صادر شده خودگواه استراتژی و تاکتیک‌های خلاق رهبر انقلاب، برای جامه عمل پوشیدن به آرمان انقلاب اسلامی یعنی جهان وطن اسلام است.

برای نمونه در یک باین قاطعانه می‌فرمایند که:

لازم است حجاج بیت الله الحرام در این مجمع عمومی و سیل خروشان انسان فریاد برائت از ظالمان و ستمکاران را هر چه رساتر بر آورند. و مصالح عالیه اسلام و مسلمین مظلوم را فدائی فرقه‌گرایی نکنند. (۷۸)



د: صدور انقلاب چرایی و چگونگی آن از بیان امام «ره»

راهکار صدور انقلاب به آشکاری در این بیان امام خمینی «ره» آمده است که «صدور انقلاب صدور اسلام است و بیان احکام محمدی است»^(۷۹) و در مقام چرایی صدور انقلاب بر آنند که: «ما به تمام جهان تجربه هایمان را صادر می کنیم.» و خود نیز واقف اند که راهکار مناسب پیاده شدن احکام اسلامی، از طریق صدور انقلاب میسر است مسلماً محصول صدور این تجربه ها جز شکوفه های پیروزی و استقلال و پیاده شدن احکام اسلام برای ملت های در بند نیست.^(۸۰)

هدف نهایی صدور انقلاب و بسیج نیروها، امکانات مردمی و دولتی جهت صدور انقلاب در کلام دیگری از امام اینگونه بیان شده است «ما انقلابمان را به تمام جهان صادر می کنیم چرا که انقلاب ما اسلامی است.» ما می خواهیم همین معنویتی که در ایران پیدا شده صادر کنیم ما نمی خواهیم شمشیر و تفنگ بکشیم و حمله کنیم ما می خواهیم این انقلابمان راه انقلاب فرهنگی مان را، انقلاب اسلامی مان را به همه ممالک اسلامی صادر کنیم.^(۸۱)

یکی دیگر از اهداف صدور انقلاب تلاش برای آشتی بین ملت ها و دولتهاست. اصرار و تأکید رهبر انقلاب بر اصل صدور انقلاب در حالی بود که برخی معتقد بودند با ایجاد جامعه های نمونه آن را سرمشقی برای دیگران قرار دهیم رهبر انقلاب اعلام می کرد: ما انقلابمان را به تمام دنیا صادر می کنیم.^(۸۲)

هرچند با طعنه های بسیاری مواجه شدند که انقلاب کالایی نیست که بر کوله پشتی سربازان بگذاریم و به کشورهای دیگر ببرند یا مشک آن است که خود بیوید نه آنکه عطار بگوید و انقلاب احتیاج ندارد که عطار داد بزند و یقه مردم را بگیرد و بگوید ببینید مشک دارم، گلاب دارم.

اقدامات عملی جمهوری اسلامی ایران برای صدور انقلاب در ایم محورها تبلور یافته است:

- الف: انجام تبلیغات اسلامی از طریق نمایندگی های فرهنگی در خارج از کشور
- ب: ارسال کمک های جنسی و نقدی و مساعدت اقتصادی به کشورهای فقیر
- ج: حمایت های سیاسی از نهضت های آزادی بخش اسلامی (نمونه صریح و عینی آن

حمایت از نهضت فلسطین و لبنان)

د: فعال شدن در کنفرانس سران کشورهای اسلامی تا احراز مقام ریاست کنفرانس

اسلامی از سوی رئیس جمهور فهیم ایران سید محمد خاتمی در سال ۱۳۷۶

ه: فعالیت در تشکیلات «دارالتقرب بین المذاهب»^(۸۳)

راهکار عدم تعهد و تقویت توان داخلی

اگر خط مشی انقلاب ایران آن بود که به آرمان استقلال بسنده نکرده و در سیاست عملی خود استقلال را پیشه خود سازد قطعاً تدابیری برای معضل وابستگی و رهایی از شر نفوذ سلطه جویانه اجانب اجتناب ناپذیر می شود. در همین راستا هرگاه به اندیشه امام خمینی «ره» در این زمینه مراجعه شود تا پاسخ مناسبی برای فلسفه استقلال و چگونگی حصول آن بیابیم توجه خواهیم یافت که در یک جمع بندی کلی توصیه های عملی ایشان در دو محور گنجانده می شود:

الف: سیاست عدم تعهد ب: تقویت توان داخلی

بیان امام خمینی «ره» در این زمینه نیز خود گویا و رهگشاست:

شعار نه شرقی و نه غربی، ترسیم کننده سیاست واقعی عدم تعهد کشورهای اسلامی که در آینده نزدیک به یاری خدا اسلام را به عنوان تنها مکتب نجات بخش بشریت می پذیرند و ذره ای هم از این سیاست عدول نخواهد شد.^(۸۴)

ما آزادی و استقلال ملت های دیگر را محترم شمرده و به دیگران اجازه مداخله در امور کشورمان را نخواهیم داد، روابط ما با دولت های بزرگ نیز بر همین پایه استوار خواهد بود. ما طرفدار سیاست عدم تعهد هستیم.^(۸۵)

پس از رخداد انقلاب در سال ۱۳۵۷ تاکنون تلاش های دولت های اسلامی بر گردن نهادن بر عدم تعهد بوده است و بر طبق آن جمهوری اسلامی برای خود هویتی مستقل از نفوذ قدرتها و ابر قدرت جهان قایل است و در چارچوب این اصول خود را غیر متعهد می داند.

از سوی دیگر توصیه های بسیاری از ترسیم گر سیاست خارجی جمهوری اسلامی برای عملی کردن راهبرد استقلال از قدرتها بزرگ از طریق تقویت بنیه دفاعی،



اقتصادی، سیاسی و فرهنگی شده است.

در دیدگاه ایشان نیل به استقلال با فداکاری،^(۸۶) صبر و استقامت خنثی نمودن توطئه و طرح‌های وابستگی مبارزه با تهاجم فرهنگی، توسعه صنایع داخلی، تربیت نیروهای متخصص، و مهمتر از همه اصلاح فرهنگ و وابستگی که در طی سالهای پس از انقلاب به ایران تحمیل شده، میسر است.

راهکار استضعاف زدائی در سطح جهان

از آنجائی که اجرای سیاست نه شرقی و نه غربی جز با ستیز با استکبار جهانی که القاء کننده دو قطب جهانی غرب و شرق هستند میسر نیست. ما در این بحث به راهکار استضعاف زدائی که جمهوری اسلامی با لحاظ کردن دیدگاه‌های امام خمینی «ره» برای سیاست خارجی برگزید، اشاراتی می‌نمائیم.

شاخص‌ترین راهکار در این زمینه تهییج و استظهار مستضعفین جهان است که بارها در کلام امام خمینی «ره» به آن عنایت ویژه‌ای شده است و ایشان برای نشان دادن جدیت خود در حمایت از مستضعفین جهان برای مقابله با مستکبرین و محقق شدن استقلال کشورها و رهائی از شر سلطه خارجی پیشنهاد حزب مستضعفین را می‌دهد.^(۸۷)

بر اساس اندیشه‌های امام خمینی «ره» بود که مرکز ثقل سیاست خارجی ایران که در عصر پهلوی دوم آمریکا و اروپای غربی بود به روابط با جهان سوم تغییر جهت داد، که افزایش تعداد سفارتخانه‌ها و نمایندگیهای فرهنگی و اقتصادی ایران در کشورهای که بعضاً یافتن آنها در نقشه جغرافیای جهان به سهولت امکان پذیر نیست، گواه این مدعا است.

تلاش امام خمینی «ره» در طی سالهای حیات سیاسی خود در حمایت بی شائبه و مواضع جانبدارانه از مستضعفین جهان از مبانی دینی برخوردار است و همین واقعیت ایدئولوژیک سر سختیها و پایداری‌های امام «ره» را در دفاع از حقوق ستمدیدگان جهان توجیه پذیر می‌ساخت. این آمیختگی اندیشه‌های دینی و سیاسی در نزد ولی فقیه سبب می‌شد، صرفنظر از اعتماد به نفس خود در طرح حمایت مستضعفین در قبال

استکبار از آن فراتر، به مستضعفین جهان بر اساس نوید الهی، وعده وراثت زمین را دهند. اساس استنباط ما نیز بیاناتی است که در ذیل می‌آید:

باید همه مستضعفین جهان دست به دست هم بدهند و قدرتهای اینها را محدود کنند در حکومتهای خودشان. (۸۸)

سلامت و صلح جهان بسته به انقراض مستکبرین است و تا این سلطه طلبان بی فرهنگ در زمین هستند مستضعفین به ارث خود، که خدای تعالی به آنها عنایت فرموده نمی‌رسند. (۸۹)

مستضعفین باید قیام کنند، مستضعفین همه بلاد، همه ممالک باید حق خودشان را با مشت محکم بگیرند.

ما به پیروزی از اسلام بزرگ از جمیع مستضعفین حمایت می‌کنیم. (۹۰)

در کلام ارزنده دیگری، اهداف این استضعاف زدائی، مقابله با ستم جهانخواران بیان شده و از مستضعفین به نام بسیجیان جهان اسلام و پا برهنه‌های مفضوب دیکتاتورها (۹۱)

تعبیر شده است.

امام خمینی «ره» از پایگاه یک ولی فقیه و رهبر مجرب سیاسی با چنین بیانی، انگیزه و امیدواری برای مستضعفان جهان در تصمیم به قیام علیه قدرتهای سلطه‌گر ایجاد می‌نمایند.

ملت‌های اسلامی و مستضعفان جهان مفتخرند، به این که دشمنان آنها دشمنان خدای بزرگ است. (۹۲)

استنتاج

سعی ما در پژوهش حاضر بر آن بود که مشخص نماییم مبانی تصمیم‌گیری در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران ملهم از اندیشه‌های امام خمینی «ره» بنیانگذار انقلاب اسلامی بوده است و مدعای ما آنکه، اهداف سیاست خارجی در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران انعکاس یافته دقیقاً و جزء به جزء با اندیشه‌های امام خمینی «ره» در این زمینه انطباق کامل دارد و گذشته از آن عملکرد سیاست

خارجی نیز ترجمان دیگری از اجزاء اصول و اندیشه‌های مورد نظر رهبر انقلاب بوده است.

نکته مهم دیگر آنکه تلاش کردیم از طمأنینه سیاسی و تصمیمات قاطعانه امام خمینی «ره» درگاه بحر آنها و مقاطع حساس سیاست خارجی را لابلای بیانات ایشان دریابیم و در باور ما سر آن امتزاج، قاطعیت و آرامش سیاسی در تصمیم‌گیریها و مواضع خارجی، نبود مگر مبانی دینی و فقهی که ایشان برای راهبرد و راهکارهای مورد نظر به آن دست می‌یازیدند که نمونه‌های چندی در این باره من جمله قاعده نفی سبیل، وراثت مستضعفین بر جهان و حکومت جهانی اسلامی ارائه دادیم.

ابتکار عمل امام خمینی «ره» و بدیع بودن پاره‌ای از موضعگیری انقلاب اسلامی جهت سیاست خارجی منطقه و دنیا در برخی از جهات، متحول نمود. تأثیراتی که انقلاب اسلامی بر مناطق مورد سرمایه‌گذاری ابرقدرتها گذاشت، خود مزید تغییر و تحولات بوجود آمده است و امروزه دکترین سیاسی، امام خمینی «ره» برای بسیاری از مسلمانان آسیا، آفریقا، خاورمیانه و به ویژه مسلمان نشینهای جمهوری سابق شوروی به صورت یک سمبل سیاسی، غیر قابل تغییر در آمده است.

شاید بتوان مهمترین دستاورد خارجی امام خمینی «ره» در قرن معاصر را، احیاء گری اسلام بدانیم به طوری که اسلام را از هضم شدن و حذف شدن در صحنه اندیشه‌های شرقی و غربی جهان نجات بخشید در هر صورت امام خمینی «ره» نخستین تکاپوهای مصرانه را جهت همگرایی اسلامی در دوری جستن از اندیشه‌های افراطی فرقه‌ای و مذهبی به عنوان عوامل باز دازنده تفکر وحدت اسلام، در بخش سیاست خارجی به منصف ظهور سازند. که ما در بخش حکومت جهانی اسلامی نمونه‌های متعددی و امثال آوردیم. و نکته آخر آنکه تاکنون در سیاست بین الملل نظریه‌های متعددی به اجرا در آمده است و با توجه به سیره عملی امام خمینی «ره» که مبین صلح‌گرایی، قانونمندی، اجتناب از تنش و هرج و مرج در صحنه بین الملل مشروع دانستن جهاد در سیاست خارجی است در می‌یابیم که عملکرد ایشان یک ماهیت میانه و بینابینی دارد به یک واقع‌گرای محض هستند و نه یک آرمانگرای صدف بلکه با تلفیق آرمانگرایی و واقع‌بینی مجموعه سیاست خارجی جمهوری اسلامی را در زمان

حیات خود به پیش هدایت کردند. یعنی در عین اعتقاد به ضرورت اصلاح وضع موجود و تبیین حکومت جهانی هم به ترسیم خطوط حکومت آرمانی جهان اسلام اهتمام می‌ورزیدند و هم از سوی دیگر حفظ وضع موجود را با تأکید بر صلح‌گرایی نهادینه چون یک ضرورت اولیه می‌پذیرفتند. مدلی که امام خمینی «ره» در سیاست خارجی ایران در معرض قضاوت افکار جهانی گذاشت که یک تز مابین آنچه که امروز در سطح جهان اعمال می‌شود بود، یعنی دولتها یا از یک محور برخوردارند. و با توجه به همگنی منافع دولتها را برگزینند. و دیگری دیدگاه آرمانگرا مبتنی بر جامعه جهانی است که جامعه‌ای همگن و عاری از جنگ است و مبتنی بر اولویت و نظام جهانی است. و از میان این دو دیدگاه آرمان‌گرا و واقع‌گرا به نظر می‌رسد با توجه به راهبرد و راهکارهای ملهم از اندیشه‌های امام خمینی «ره» که در متن توضیح داده‌ایم امام خمینی «ره» یک آرمان‌گرای واقع بین باشد.

پانویس‌ها:

- ۱- جواد منصوری، سیری بر سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران (تهران، امیرکبیر، ۱۳۶۵)، ص ۱۴.
- ۲- همان، ص ۱۶.
- ۳- همان، ص ۱۶.
- ۴- همان، ص ۱۷.
- ۵- جیمز بیل، عقاب و شیر، ج ۲، (تهران، کوبه، ۱۳۷۱)، ص ۲۳۳.
- ۶- همان، ص ۴۴۹.
- ۷- همان، ص ۴۵۴.
- ۸- همان، ص ۴۵۶.
- ۹- جمیله کدیوری، رویاروییهای انقلاب اسلامی و آمریکا (تهران، اطلاعات، ۱۳۷۴)، ص ۴۳۳.
- ۱۰- میشل فوکو، ایرانی‌ها چه رویایی در سر دارند؟ ص ۹۴.
- ۱۱- برای اطلاع بیشتر رک ایران و آمریکا به کوشش سید عباس بنی لوحی تهران، اندیشه و فرهنگ معاصر، ۷۸.
- ۱۲- فصلنامه سیاست خارجی، سال؟ ص ۲۶۰.
- ۱۳- صحیفه نور جلد ۷ (انتشارات شرکت سهامی چاپخانه وزارت ارشاد اسلامی، بهمن ۶۱)، ص



- ۱۴- صحیفه نور جلد ۱۵ (انتشارات شرکت سهامی چاپخانه وزارت ارشاد اسلامی، بهمن ۶۱)، ص ۱۸۶.
- ۱۵- صحیفه نور جلد ۱۵، ص ۲۰۹.
- ۱۶- فصلنامه سیاست خارجی، سال ۱۳، تابستان ۷۸ (مقاله آرمان‌گرایی و واقع‌گرایی در سیاست خارجی از دیدگاه امام خمینی «ره» از دکتر محمد رضا دهشیری، ص ۳۴۳.
- ۱۷- صحیفه نور، جلد ۱۲ ص ۴۴.
- ۱۸- منصوری، یاد شده، ص ۱۶۹.
- ۱۹- صحیفه نور، جلد ۷، ص ۲۳۵.
- ۲۰- صحیفه نور، جلد ۱۵، ص ۲۰۹.
- ۲۱- صحیفه نور، جلد ۲۰، ص ۳.
- ۲۲- علی بنی لوحی، مبانی دفاع از دیدگاه امام خمینی «ره» (تهران، اندیشه و فرهنگ معاصر، ۷۸.
- ۲۳- همان، ص ۲۹۰.
- ۲۴- سوره مبارکه نساء، آیه ۱۴۱.
- ۲۵- منصوری، یاد شده، ص ۳۳.
- ۲۶- بنی لوحی، مبانی دفاع از دیدگاه امام خمینی «ره»، ص ۱۲۲.
- ۲۷- رک فصلنامه انقلاب اسلامی، پیش شماره ۳، ص ۴۳.
- ۲۸- جیمز بیل، عقاب و شیر، جلد ۲، ص ۴۴۰.
- ۲۹- بنی لوحی، یاد شده، ص ۴۴۰.
- ۳۰- صحیفه نور، جلد ۲۰، ص ۴۵۲.
- ۳۱- صحیفه نور، جلد ۲۰، ص ۱۱۲.
- ۳۲- صحیفه نور، جلد ۲۰، ص ۱۱۳.
- ۳۳- تبیین استراتژی نظام از کلام امام، (بی نا، دفتر مجامع مقلداتنی فرهنگستان علوم اسلامی) ص ۲۱.
- ۳۴- تبیین استراتژی نظام از کلام امام، ص ۴۸.
- ۳۵- صحیفه نور، جلد ۷، ص ۸۷.
- ۳۶- صحیفه نور، جلد ۲، ص ۱۳۴.
- ۳۷- دهشیری، یاد شده، ص ۳۴۰.
- ۳۸- همان، ص ۳۴۴.
- ۳۹- فصلنامه سیاست خارجی، سال ۱۲، پاییز ۷۷، مقاله مصلحت در سیاست خارجی، محمد ناصر نقوی، ص ۵۹۵.
- ۴۰- صحیفه نور، جلد ۱۹، ص ۷۲.



- ۴۱- فصلنامه سیاست خارجی، سال ۱۳، تابستان ۷۸، مقاله انزوآگرایی یا انزوآگریزی، عنایت الله یزدانی.
- ۴۲- متن مصاحبه‌های قائد بزرگ امام خمینی «ره»، (پاریس، بی تا، ۵۷) ص ۴۰.
- ۴۳- طلایع انقلاب اسلامی، (تهران: مرکز نشر دانشگاهی، ۱۳۶۲) ص ۱۵۲.
- ۴۴- صحیفه نور، جلد ۱۵، ص ۲۰۹.
- ۴۵- صحیفه نور، جلد ۱۰، ص ۷.
- ۴۶- صحیفه نور، جلد ۲۲، ص ۷ و در تاریخ ۶۷/۶/۱۲
- ۴۷- ر.ک به مقاله «انقلاب و روابط بین الملل» از فرد هالیدی، ترجمه مسعود اخوان کاظمی، در فصلنامه انقلاب اسلامی، پیش شماره ۳، ص ۳۹.
- ۴۸- تبیین استراتژی نظام از کلام امام، ص ۲۱ و ۲۲.
- ۴۹- صحیفه انقلاب اسلامی (وصیت نامه الهی سیاسی) (تهران، مؤسسه فرهنگی قدر و ولایت ۷۸)، ص ۵۱.
- ۵۰- دهشیری یاد شده، ص ۳۴۹.
- ۵۱- صحیفه نور، جلد ۷، ص ۸۹.
- ۵۲- صحیفه نور، جلد ۷، ص ۹۰.
- ۵۳- همان، جلد ۷، ص ۱۸۴.
- ۵۴- همان، ص ۱۴۲.
- ۵۵- در جستجوی راه از کلام امام (تهران، امیرکبیر، ۱۳۶۱) ص ۹۳.
- ۵۶- دهشیری، یاد شده، ص ۳۶۱.
- ۵۷- صحیفه نور، جلد ۱۸، ص ۸۷.
- ۵۸- صحیفه نور، جلد ۴، ص ۲۰۰.
- ۵۹- صحیفه نور، جلد ۷، ص ۸۹.
- ۶۰- همان، جلد ۷، ص ۱۴۲.
- ۶۱- متن مصاحبه‌های قائد بزرگ امام خمینی «ره»، ص ۱۱.
- ۶۲- صحیفه نور، جلد ۲۱، ص ۳۶.
- ۶۳- صحیفه نور، جلد ۱۶، ص ۲۲۱.
- ۶۴- فصلنامه حضور، تابستان ۷۷، شماره ۲۴، مقاله رهیافت تصمیم‌گیری در منظر امام خمینی «ره» با تأکید بر نظام بین الملل، محمدرضا عیوضی، ص ۶۶.
- ۶۵- منوچهر محمدی، سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران (تهران، گسترده، ۷۸)، ص ۴۳.
- ۶۶- کدیور، یاد شده، ص ۹۰.



- ۶۷- تبیین استراتژی نظام از کلام امام، ص ۶۰.
- ۶۸- فصلنامه حضور، عیوضی، یاد شده ص ۶۸.
- ۶۹- فصلنامه حضور، شماره ۲۲، مقاله اصول نه شرقی و نه غربی امام خمینی «ره»، لقمان بایمتوف، ص ۱۲۵.
- ۷۰- همان، ۱۲۶.
- ۷۱- صحیفه نور جلد ۲۲، ص ۳۱۸.
- ۷۲- صحیفه انقلاب اسلامی، ص ۳۷.
- ۷۳- همان، ص ۲۱.
- ۷۴- صحیفه نور، جلد ۲۰، ص ۲۴.
- ۷۵- دهشیری، یاد شده، ص ۳۵۴.
- ۷۶- کدیور، یاد شده، ص ۱۲۳.
- ۷۷- فصلنامه حضور، تابستان ۷۷، شماره ۲۴۰، ص ۱۶.
- ۷۸- صحیفه نور، جلد ۲، ص ۲۱.
- ۷۹- تبیین استراتژی نظام از کلام امام، ص ۲.
- ۸۰- همان، ص ۲۱.
- ۸۱- صحیفه نور، جلد ۱۲، ص ۲۸۳.
- ۸۲- همان، ص ۲۸۴.
- ۸۳- فصلنامه سیاست خارجی، یزدانی، یاد شده، ص ۲۷۰.
- ۸۴- فصلنامه ۱۵ خرداد، پاییز ۷۳، مقاله سیاست خارجی از دیدگاه امام، فرزانه راد، ص ۱۲.
- ۸۵- همان، ص ۱۰ - پیام امام در تاریخ ۵۷/۷/۲۵.
- ۸۶- صحیفه انقلاب اسلامی، ص ۵۱.
- ۸۷- فصلنامه سیاست خارجی، یزدانی، یاد شده، ص ۳۷۱.
- ۸۸- در جستجوی راه از کلام امام، ص ۱۰۵.
- ۸۹- همان، ص ۹۸.
- ۹۰- همان، ص ۹۵.
- ۹۱- تبیین استراتژی نظام از کلام امام خمینی «ره»، ص ۱۹.
- ۹۲- صحیفه انقلاب، ص ۶.
- ۹۳- برای اطلاع بیشتر ر. ک، فصلنامه سیاست خارجی، دهشیری، یاد شده، مقاله آرمان‌گرایی و واقع‌گرایی در اندیشه امام خمینی «ره».